

Analysis of the lived experiences of history teachers on the challenges of teaching secondary history courses

Mazhar Babae¹ & Parastoo Salehi²

Abstract

Objective: The history courses at any country ,plays an important role in creating national identity and value for that country; But despite its high importance, it is observed that interest in studying history, in its specialized sense ,is low among students. As it seems, teachers are facing challenges in relation to the way this subject is taught in schools and the content used to teach it. Therefore, the aim of the current research was to analyze the lived experiences of history teachers of the challenges of the curriculum and teaching history courses in the second secondary level.

Materials and methods: To achieve this goal, the critical paradigm, qualitative approach and descriptive phenomenological research strategy of multi-stage Van Manen type and document-library method were used. The field of research included history teachers of the second secondary course in Kurdistan province in the academic year 1401-1402 with a purposeful sampling method. The research tool was a semi-structured interview made by the researcher, which continued until the degree of relative saturation with the number of 9 people.**Findings:** The findings were presented in two sections: curriculum and educational challenges and solutions. The challenges section itself was categorized into three areas: challenges related to history books (11 cases), challenges of teachers' teaching methods (7 cases), and challenges beyond the two mentioned areas (4 cases). Based on this, the solutions section in the two areas of teachers' teaching solutions in order to solve the challenges of classroom education (11 cases) and suggestions for the efficiency of the quality of teaching history courses at the curriculum level, which were presented in the three areas of books (12 cases), teachers (2 cases) and beyond these two (5 cases).

Discussion and conclusion: Discussion and conclusion: The results of the analysis of the findings showed that the curriculum in the field of teaching history courses in the second secondary level needs a fundamental revision. At this point, history textbooks play a prominent role in creating educational challenges. Because most of the educational challenges of these courses are related to this field; Among other things, the history books still follow the memory-oriented approach and have less analyzed the events, this is because their history writing style is still traditional and classic. However, not all challenges are limited to the content of books; Moreover, the methods used for teaching history are not in line with the evolution of textbooks and the new goals of the curriculum, and most teachers still use lecture-oriented and teacher-oriented methods. In addition to these cases, there are various personal and social factors outside the teacher's classroom system and in the history course that indirectly affect the classroom teaching of these courses; Therefore, in order to achieve the goals of the new curriculum, there is a need to make changes in the methods of teaching history courses as well as the way of training and selecting teachers. Although the teachers at the class level are trying to complete the shortcomings of the textbooks and use new educational methods; But in order to achieve the educational goals of these courses and improve the quality of history courses, more fundamental changes are needed in the educational planning for history courses in the second secondary level. In order to radically reduce some of the mentioned challenges, in addition to making changes in the management level of classroom education and ingenuity in the teaching and learning process, it is necessary to have appropriate planning at the national macro level and make changes in the field of curriculum content and educational methods. . The suggestions expressed were mostly in the context of revising and making changes in the content of history books, so that the emphasis of the content of history books is more on the analysis of historical issues and events and the application of history. Based on the findings of the research, it is suggested that history books should be specifically revised, educational methods should be changed in line with the new goals of history education, which have changed from memory-oriented to historical literacy education, and new student-oriented educational methods should be used instead of teacher-oriented in The education process should be used and history should be taught in a more practical way.

Key words: curriculum, history education, lived experiences, phenomenology, secondary school teachers.

1. Department of Educational Sciences, Farhangian University, Tehran, Iran. m.babaie@cfu.ac.ir

2. BA student in education of exceptional children, Faculty of Educational Sciences, Farhangian University, Sanandaj, Iran

تحلیل تجارب زیسته‌ی معلمان تاریخ از چالش‌های برنامه درسی و آموزش دروس تاریخ

متوسطه دوم

مظهر بابائی^۳ و پرستو صالحی^۴

چکیده

هدف: درس تاریخ در هر کشوری، نقش مهمی در هویت‌سازی و ارزش‌آفرینی ملی برای آن کشور دارد؛ اما با وجود اهمیت بالای آن، مشاهده می‌شود که علاقه‌مندی به مطالعه‌ی تاریخ در معنای تخصصی آن، میان دانش‌آموزان، پایین است. آن طور که به نظر می‌رسد، معلمان در رابطه با نحوه‌ی آموزش این درس در مدارس و محتوای مورد استفاده برای آموزش آن، با چالش‌هایی مواجه‌اند که این چالش‌ها نیز به نوبه خود، نقش بسزایی در علاقه‌مندی یا عدم علاقه‌ی دانش‌آموزان به فراگیری تاریخ دارند؛ لذا هدف پژوهش حاضر، تحلیل تجارب زیسته‌ی معلمان تاریخ از چالش‌های برنامه درسی و آموزش دروس تاریخ در مقطع متوسطه دوم بود.

مواد و روش‌ها: برای دستیابی به این هدف، از پارادایم انتقادی، رویکرد کیفی و استراتژی پژوهش پدیدارشناسی توصیفی از نوع چند مرحله‌ای ون‌مانن و روش اسنادی - کتابخانه‌ای، بهره برده شد. میدان پژوهش، شامل معلمان دروس تاریخ دوره متوسطه دوم در استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ با روش نمونه‌گیری هدفمند بود. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته محقق ساخته بود که تا درجه اشباع یافتگی نسبی و به تعداد ۹ نفر، ادامه یافت.

یافته‌ها: یافته‌ها در دو بخش: چالش‌های برنامه درسی و آموزشی و راهکارها ارائه شد. بخش چالش‌ها، خود در سه زمینه: چالش‌های مربوط به کتاب‌های تاریخ (۱۱ مورد)، چالش‌های روش تدریس معلمان (۷ مورد) و چالش‌هایی فراتر از دو حوزه‌ی نام‌برده (۴ مورد)، دسته‌بندی شدند. بر همین اساس، بخش راهکارها در دو حوزه‌ی راهکارهای حوزه تدریس معلمان در راستای حل چالش‌های آموزش کلاسی (۱۱ مورد) و پیشنهادهایی برای بهره‌وری کیفیت آموزش دروس تاریخ در سطح برنامه درسی بود، که خود در سه زمینه‌ی: کتاب‌ها (۱۲ مورد)، معلمان (۲ مورد) و امور فراتر از این دو (۵ مورد)، ارائه شد.

بحث و نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از تحلیل یافته‌ها نشان داد که برنامه درسی در حوزه‌ی آموزش دروس تاریخ در مقطع متوسطه‌ی دوم، نیازمند بازنگری اساسی است. کتاب‌های درسی تاریخ در این مقطع، در ایجاد چالش‌های آموزشی نقش نخست و برجسته‌ای دارند. چراکه اکثر چالش‌های آموزشی این دروس، به این زمینه مربوط می‌شوند؛ از جمله این که کتاب‌های تاریخ همچنان رویکرد حافظه محور را دنبال می‌کنند و کم‌تر به تحلیل اتفاقات پرداخته‌اند این امر از این روست که سبک تاریخ‌نویسی آنها نیز هنوز سنتی و کلاسیک است... باین حال، تمام چالش‌ها محدود به محتوای کتاب‌ها نمی‌شوند؛ بلکه روش‌های مورد استفاده برای آموزش تاریخ نیز، هم‌راستا با تحولات کتاب‌های درسی و اهداف جدید برنامه درسی، نبوده و اکثر معلمان، همچنان از روش‌های سخنرانی‌محور و معلم‌محور، بهره می‌برند. در کنار این موارد، عوامل مختلف فردی و اجتماعی خارج از سیستم کلاس درس معلم و در درس تاریخ وجود دارد که به شکل غیر مستقیم، آموزش کلاسی این دروس را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد؛ لذا نیاز است جهت تحقق اهداف برنامه‌ی جدید درسی، در روش‌های آموزش دروس تاریخ و همچنین نحوه‌ی آموزش و انتخاب معلمان، تغییراتی ایجاد شود. با این که معلمان در سطح کلاس در جهت تکمیل کاستی‌های کتب درسی و استفاده از روش‌های نوین آموزشی تلاش می‌کنند؛ اما برای رسیدن به اهداف آموزشی این دروس و بالابردن کیفیت آموزش دروس تاریخ، به تغییراتی اساسی‌تر در برنامه‌ریزی آموزشی برای درس تاریخ در مقطع متوسطه دوم نیاز است. برای کاهش ریشه‌ای برخی از چالش‌های نام‌برده شده، علاوه بر ایجاد تغییرات در سطح مدیریت جریان آموزش کلاسی و نبوغ در فرایند تدریس و آموزش، نیاز است در سطوح کلان کشوری، برنامه‌ریزی مناسب داشت و تغییراتی در زمینه‌ی محتوای درسی مورد استفاده و روش‌های آموزشی ایجاد کرد. پیشنهادات بیان‌شده، اکثراً در زمینه‌ی بازنگری و ایجاد تغییر در محتوای کتاب‌های تاریخ بود، به‌گونه‌ای که تأکید محتوای کتاب‌های تاریخ، بیشتر بر تحلیل مسائل و وقایع تاریخی و کاربردی‌سازی تاریخ باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش پیشنهاد می‌شود کتاب‌های تاریخ، به طور اختصاصی مورد بازنگری قرار گیرند، روش‌های آموزشی در راستای اهداف جدید آموزش تاریخ که از حافظه‌محوری به آموزش سواد تاریخی تغییر یافته است، متحول شوند و از روش‌های نوین آموزشی دانش‌آموز محور، به جای معلم‌محور، در فرایند آموزش، استفاده شود و تاریخ به شکلی کاربردی‌تری، تدریس شود.

واژگان کلیدی: آموزش تاریخ، برنامه درسی، پدیدارشناسی، تجارب زیسته، معلمان متوسطه دوم.

۳. نویسنده مسئول: استادیار گروه آموزش علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. m.babaie@cfu.ac.ir

۴. دانشجوی کارشناسی آموزش کودکان استثنایی، دانشکده علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، سنندج، ایران.

مقدمه

برنامه درسی، مهم‌ترین عنصر تشکیل‌دهنده‌ی آموزش و پرورش و به منزله‌ی قلب این نظام، عمل می‌کند. قسمت عمده‌ای از برنامه درسی که در نظام آموزشی متمرکز کشور ما، تعریف و تنظیم آن به عهده کارشناسان و متخصصان وزارت آموزش و پرورش می‌باشد طراحی برنامه درسی است (صیاح کوکیانی و همکاران، ۱۴۰۰). طراحی برنامه درسی شامل چهار فعالیت کاملاً مشخص تدوین اهداف، انتخاب محتوای تجارب یادگیری و وسایل آموزشی، تعیین روش‌های مؤثر تدریس و تنظیم ضوابط و معیارهای ارزشیابی است (تقی‌پور ظهیری، ۱۳۸۷) که تمامی این فعالیت‌ها در جهت آموزش مؤثر، صورت می‌گیرد. آموزش، در تعریفی ساده، هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده‌ای است که هدف آن آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان است (سیف، ۱۳۹۲) و در تعریفی جامع‌تر، علاوه بر آسان‌سازی، فرایندی است که به دگرگونی مطلوب در فراگیران نیز کمک می‌کند (امیرتیموری، ۱۳۷۷). هدف نهایی از طراحی برنامه درسی و آموزش هر درسی، دگرگونی مطلوب در افکار، روحیات و رفتار فرد و یاددهی مطالب کاربردی به یادگیرندگان است.

در این میان و از این منظر، درس تاریخ به عنوان یک درس مهم و حساس، دارای جایگاه ویژه‌ای است. هدف از آموزش تاریخ، به‌عنوان درسی که در برنامه‌ی درسی هر سه مقطع آموزشی ابتدایی، متوسطه‌ی اول و متوسطه‌ی دوم همچنین در واحدهای درسی مختلف دانشگاهی مورد توجه بوده است، ایجاد دگرگونی مطلوب در ذهن و روحیات یادگیرندگان است. تاکنون تعاریف متعددی در رابطه با آموزش و فراگیری تاریخ ارائه شده است؛ در ساده‌ترین تعریف، شاید آموختن تاریخ شامل یادگیری و به‌خاطر سپردن اسامی افراد و اماکن تاریخی و زمان وقوع رویدادهای گوناگون به نظر برسد، اما این تعریف، در واقع، تاریخ را به گاه‌شماری محدود می‌کند، درحالی‌که آموزش تاریخ هدفی والاتر دارد و آن شناخت تاریخ، بازسازی و عرضه مجدد آن به انسان‌های معاصر، برای درک بهتر وقایع و تحولات کنونی است (همراز، ۱۳۹۰). گاهی منظور از آموزش تاریخ، آموزش تقویم خوانی، تعیین سال، ماه و روز است. در مواقعی آموزش تاریخ می‌تواند به معنی آموزش تاریخچه نویسی برای یک موضوع تخصصی باشد و کلیت تاریخ را در برنگیرد. آموزش تاریخ، به‌کارگیری تجارب و ایجاد علایق پایدار و متداوم به مطالعه‌ی گذشته در شاگردان است تا این عادت در شاگردان ایجاد شود که تاریخ را برای لذت‌بردن و فهمیدن بهتر مطالعه کنند (فتحی، ۱۳۹۸). در تعریفی کلی آموزش تاریخ به مفهوم معرفی راهکارهای شناخت احوال و سرگذشت جوامع، اقوام و ملت‌ها بر اساس مدارک، اسناد، اخبار، آثار تاریخی و شیوه‌ی بررسی علمی آن‌ها است (همراز، ۱۳۹۰). تاریخ هر جامعه‌ای بیانگر هویت و سرگذشت مشترک مردم آن است و برای آن‌ها نقش شناساننده به سایر جوامع را دارد (کریمی و طاوسی مسرور، ۱۳۹۰). به طور کلی، علم تاریخ، عام‌ترین مقیاس در پهنای زمان و مکان برای توصیف و تحلیل زندگی انسان‌هاست و منحصر به گذشته و وقایع مرتبط با آن نخواهد بود؛ بلکه سطحی فراگیر از پیوند گذشته، حال و آینده را شامل می‌شود (عباسی و ملکشاهی، ۱۴۰۱)، به گونه‌ای که می‌توان گفت، تاریخ، آموختن از گذشته برای فهمیدن حال و ساختن آینده است (جلیلیان و کریمی، ۱۴۰۰).

روش‌های آموزشی با توجه به امکانات موجود و ظهور اندیشه‌های جدید همواره در حال تغییر و تحول بوده‌اند (شعبانی، ۱۳۹۴). آموزش تاریخ نیز متأثر از شرایط و تغییر و تحولات نظام آموزشی و برنامه درسی با تغییر و تحول همراه بوده است. در کشور ما نظام آموزشی و

به تناسب آن کتاب‌های درسی، بارها متحول و بازنگری شده‌اند. در چند سال اخیر، با تغییر نظام آموزشی از (۳-۳-۵) به (۳-۳-۶) کتاب‌های آموزشی و به تناسب آن روش‌های آموزش مطالب با تغییراتی روبه‌رو بوده‌اند. در مقطع متوسطه دوم تعداد پایه‌ها از ۴ پایه‌ی تحصیلی به ۳ پایه، تغییر یافت و کتاب‌های درسی مورد بازنویسی و بازنگری قرار گرفتند. کتاب‌های تاریخ این مقطع و اهداف آموزشی آن نیز با تحولاتی همراه بوده‌اند؛ لذا روش‌های آموزش این درس و برنامه‌ی درسی آن تحت تأثیر شرایط جدید قرار گرفتند. در میان مقاطع تحصیلی مختلف، بررسی چالش‌های آموزش تاریخی در مقطع متوسطه دوم، به‌عنوان مقطعی که پیش از ورود به تحصیلات عالی قرار دارد و نقش مهمی در جهت‌دهی به هویت و آینده‌نگری افراد دارد، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. هویت ملی از مباحث مهم و قابل ملاحظه در دنیای امروز است و نیاز به آن و احساس تعلق به یک سرزمین و گرایش به سمت آن از الزامات انکارناپذیر در هر جامعه‌ای محسوب می‌شود (مه‌دی‌ان و همکاران، ۱۴۰۲)؛ از همین رو، توجه به طراحی برنامه درسی کارآمد و آموزش مناسب درس تاریخ در این مقطع، به‌عنوان درسی هویت‌ساز، از اهمیت بالایی برخوردار است.

درس تاریخ در هر کشوری نقش مهمی در هویت‌سازی و ارزش‌آفرینی ملی برای آن کشور دارد؛ اما با وجود اهمیت بالای آن، مشاهده می‌شود که علاقه‌مندی به مطالعه‌ی تاریخ در معنای تخصصی آن، میان دانش‌آموزان، پایین است. آن طور که به نظر می‌رسد، معلمان در رابطه با نحوه‌ی آموزش این درس در مدارس و محتوای مورد استفاده برای آموزش آن با چالش‌هایی مواجه‌اند که این چالش‌ها نیز به نوبه خود، نقش بسزایی در علاقه‌مندی یا عدم علاقه‌ی دانش‌آموزان به فراگیری تاریخ دارند؛ لذا بررسی تجارب زیسته‌ی معلمان در زمینه‌ی روش آموزش و محتوای مورد استفاده، به طور موثکافانه و سازماندهی شده، می‌تواند نقش برجسته‌ای در تبیین چالش‌های موجود در آموزش تاریخ و یافتن راهی برای غلبه بر آن‌ها داشته باشد. بدون شک، ادامه روند بی‌علاقگی دانش‌آموزان، واضح نبودن علت این مسئله، ادامه یافتن چالش‌های موجود در فرایند آموزش تاریخ و نبود برنامه‌ریزی صحیح برای حل این چالش‌ها، باعث حافظه‌محور پنداشتن تاریخ، فاقد اهمیت بودن این درس در نظر دانش‌آموزان، ادامه روند بی‌ربغبتی به مطالعه‌ی آن و در نهایت، ایجاد چالش‌هایی در زمینه‌ی هویت یابی و هویت ملی دانش‌آموزان می‌شود. در راستای بهبود کیفیت آموزش تاریخ، در برنامه‌ی درسی جدید دروس تاریخ، به جای تأکید بر آموزش صرف محتوای تاریخی و حفظ مطالب، تأکید ویژه‌ای بر ایجاد سواد تاریخی در دانش‌آموزان می‌شود، اما آن طور که به نظر می‌رسد، برنامه‌ی درسی جدید نیز، در این راستا، موفق عمل نکرده است و بسیاری از چالش‌های موجود همچنان پابرجا هستند. چرا که نظر عوامل مختلف درگیر در این حوزه، لحاظ نشده است. یکی از این عوامل درگیر، معلمان این درس هستند، معلمان که مستقیماً با دانش‌آموزان و محتوای کتاب تاریخ در ارتباط بوده و چالش‌های آموزشی آن را به خوبی می‌دانند. از این رو، شناسایی عوامل چالش‌آفرین از منظر معلمان این درس، در فرایند آموزش تاریخ، می‌تواند بسیاری از کاستی‌های برنامه درسی را نیز تبیین نماید.

بر چنین زمینه‌هایی، پژوهش حاضر در پی واکاوی تجارب زیسته‌ی معلمان تاریخ متوسطه دوم از آموزش دروس تاریخ در مقطع متوسطه دوم در استان کردستان است. از همین رو، در پی تحلیل و پاسخ‌گویی به این سؤالات می‌رود که: ۱. چالش‌های برنامه درسی و آموزش دروس تاریخ در برنامه‌ی جدید درسی در مقطع متوسطه دوم از دیدگاه تجارب زیسته‌ی معلمان استان کردستان را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ ۲. چه راهکارهایی برای گذر از این چالش‌ها وجود دارد؟

پیشینه پژوهش

در زمینه‌ی طراحی برنامه درسی و آموزش تاریخ، پژوهش‌های متعددی صورت گرفته است. بدری گرگری و همکاران (۱۳۹۰) به مقایسه‌ی تأثیر روش تدریس مبتنی بر تفکر فعال (روش مشارکتی) و روش تدریس سنتی در یادگیری درس مطالعات اجتماعی دانش‌آموزان پسر پرداختند. این پژوهش، تاریخ در مقطع متوسطه اول را در بر می‌گرفت. رومانی و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای، تجارب معلمان تاریخ از تدریس را با رویکردی پدیدارشناسانه، مورد توجه قرار داده‌اند. این پژوهش چالش‌های آموزش تاریخ را صرفاً در زمینه‌ی تدریس مورد بررسی قرار داده است. فتحی (۱۴۰۰) در پژوهشی مهم‌ترین چالش‌های آموزش و تدریس تاریخ را در سطح دانشگاه‌ها، مورد مطالعه قرار داد. در پژوهشی دیگر، جلیلیان و کریمی (۱۴۰۰) تدریس تاریخ اسلامی با روش پیش‌سازمان‌دهنده با استفاده از نرم‌افزار تاریخ ایران اسلامی را مورد بررسی قرار دادند. یکی از نتایج این بود که تدریس صرف دروس تاریخ به همراه کتاب و عدم استفاده از دیگر امکانات نوین آموزشی در کنار استفاده از شیوه‌های سنتی تدریس، باعث روی‌گردانی دانشجویان علاقه‌مند به این عرصه و کاهش جذابیت این علم شده است. رحمانی فلاح و جمالو (۱۴۰۰) به بررسی نقش و تأثیر تدریس وارونه در یادگیری تاریخ در میان

دانش‌آموزان پرداختند که نتیجه نشان داد، این روش در آموزش تاریخ دوره‌ی متوسطه دوم کاربرد زیادی دارد و رشته‌ی تاریخ با این روش تدریس، ارتباط عمیق و گسترده‌ای دارد.

در پژوهش‌های خارج از کشور نیز مبحث آموزش تاریخ و چالش‌های آن، مطرح بوده است. برونو ژفره^۵ و شیرالی^۶ (۲۰۰۲) در پژوهشی در رابطه با آموزش تاریخ، چالش‌های موجود را بر اساس خواسته‌های جدید آموزشی بررسی کردند و مدلی بر اساس نظریه‌ی آموزش دیویی ارائه دادند. یلماز^۷ (۲۰۰۸) چشم‌اندازی از آموزش و یادگیری تاریخ مؤثر و معنادار از نظر آموزشی در مدارس، ارائه می‌دهد. او در پژوهش خود، مشخص می‌کند که در آموزش تاریخ، برای چه اهدافی باید تلاش کرد، تاریخ چه باید تدریس شود، برنامه درسی تاریخ چگونه باید توسعه یابد، از معلمان در اجرای برنامه درسی تاریخ چه انتظاری می‌رود و معلمان تاریخ باید چه صلاحیت‌هایی داشته باشند تا به طور مؤثر، حرفه خود را انجام دهند. ویجایاساری^۸ و همکاران (۲۰۲۰) در پژوهشی، پس از بررسی چالش‌های موجود، مدلی جدید برای آموزش تاریخ ارائه دادند. محمد^۹ و همکاران (۲۰۲۰) مروری نظام‌مند بر تمرین‌های معلمان تاریخ در جهت آموزش ارزش‌ها در سراسر برنامه‌ی درسی داشتند. نتایج اشاره دارد که به‌منظور حمایت از معلمان تاریخ و ارزش‌ها در سراسر اجرای آموزش تاریخ، تمهیدات لازم مانند توسعه حرفه‌ای معلمان و آموزش معلمان لازم است. اوگاه^{۱۰} (۲۰۲۳) به بررسی چگونگی اجرای برنامه درسی تاریخ در دبیرستان‌های ارشد در کشور غنا پرداخت. یافته‌های این پژوهش بر ضرورت بهبود آموزش تاریخ، اشاره دارد. تاکنون مطالعات زیادی در زمینه‌ی آموزش تاریخ و چالش‌های آن صورت‌گرفته است و برای آن‌ها راهکارهایی پیشنهاد شده است، اما بررسی این چالش‌ها با تأکید بر برنامه‌ی درسی جدید و با توجه به محتوا و اهداف آموزشی جدید، مورد بررسی اختصاصی قرار نگرفته و برای آن راهکارهایی نشده است.

روش پژوهش

هدف پژوهش حاضر، تحلیل تجارب زیسته‌ی معلمان متوسطه دوم از چالش‌شناسی برنامه درسی و آموزش دروس تاریخ بود؛ لذا به اقتضای هدف پژوهش، از پارادایم تأویل‌گرا^{۱۱} از نوع تأویل‌گرایی تاریخی گادامر^{۱۲} که خود از پارادایم‌های نسبی‌گرا^{۱۳} محسوب می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹)، بهره برده شد. لذا رویکرد، پژوهش، یک رویکرد کیفی، و استراتژی آن، پدیدارشناسی توصیفی از نوع ۴ مرحله‌ای ون مانن و هم‌چنین اسنادی - کتابخانه‌ای، بود. میدان پژوهش، شامل معلمان دروس تاریخ دوره متوسطه دوم در استان کردستان در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۲ و با روش نمونه‌گیری هدف‌مند بود. ابزار پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته محقق ساخته بود که تا درجه اشباع یافتگی و به تعداد ۹ نفر ادامه یافت که با کمک روش قیاسی - استقرائی، محتوای توصیفی متن نوشتاری، مورد تحلیل واقع شد. فرمت داده‌ها مصاحبه ضبط شده بود که اخلاقاً بعد از کسب اجازه از مشارکت‌کنندگان صورت گرفت. این فرمت بعد از پیاده‌سازی به صورت متن درآمد است. هم‌چنین، تاکتیک تحلیل داده‌ها، قیاسی - استقرائی بود.

پژوهش در دو گام پیش رفت: در گام نخست، از منظر روش اسنادی - کتابخانه‌ای، با بهره‌گیری از کتب، اسناد و مقالات معتبر و مرتبط، به تبیین ادبیات و پیشینه پژوهش پرداخته شد. در گام دوم، با بهره‌گیری از روش پدیدارشناسی تفسیری - توصیفی، داده‌های حاصل از جامعه مورد مطالعه این پژوهش - که شامل مصاحبه عمیق با ۹ نفر از معلمان دروس تاریخ در مقطع متوسطه دوم با جنسیت

⁵ -Bruno-Jofré

⁶ -Schiralli

⁷ -Yilmaz

⁸ -Wijayasari

⁹ -Mohamad

¹⁰ -Ogah

¹¹ . Interpretative paradigm.

¹² . Gadamer's historical interpretivism.

¹³ . Relativistic paradigms.

مرد و زن شهرستان سنج بود- بعد از پیاده‌سازی مصاحبه‌ها، کدگذاری مشارکت‌کنندگان، گوش دادن مجدد و چندباره مصاحبه‌ها، به دسته‌بندی قیاسی آن‌ها پرداخته شد. این بخش از پژوهش، خود در دو گام انجام شد. در گام نخست از مشارکت‌کنندگان درخواست شده بود تا ابتدا بر اساس تجارب زیسته‌ی خود در حوزه‌ی آموزش دروس تاریخ دوران متوسطه دوم، چالش‌های پیشروی معلمان تاریخ در این حوزه را تبیین کنند.

در گام دوم که به ارائه پیشنهادها و راهکارها برای تقلیل چالش‌های مذکور بر اساس تجارب زیسته‌ی خود معلمان پرداخته شد، پس از دسته‌بندی محتواهای گام نخست، ضمن توجه به تفاوت‌های فردی بین آن‌ها، دسته‌بندی‌ها باز از منظر قیاسی در دو دسته‌ی چالش‌های حوزه آموزش دروس تاریخ متوسطه دوم و راهکارها و پیشنهادها برای کاهش این چالش‌ها، به‌صورت جداگانه، صورت گرفت. در نهایت، یافته‌ها بعد از تم‌بندی، مقوله‌بندی و مفهوم‌سازی، به روش استقرائی دسته‌بندی شدند و بر اساس آن‌ها تحلیل و جمع‌بندی نهایی به‌صورت مجزا صورت گرفت.

سرانجام، در پژوهش حاضر، جهت حصول اطمینان از روایی و پایایی در داده‌ها از چند معیار در معنای کیفی آن استفاده گردید: ۱. مطالعه و بازنگری چندباره و دقیق پژوهشگران در اصل متن پیاده شده مصاحبه‌ها و اطمینان از ربط و نسبت آن با موضوع پژوهشی. ۲. توصیف دقیق فرایند گردآوری، استنباط، تحلیل و دسته‌بندی داده‌ها. این فرایند میزان ثبات نسبی در فرایند دستیابی به نتایج را تأیید کرد. ۳. سپس یافته‌های به‌دست‌آمده از تحلیل داده‌های گردآوری شده به کمک روش «خبره‌سنجی»، نقدپذیری نقادان بر نتایج حاصله و حتی امکان تکرار برخی بخش‌ها یا مبانی با خبرگان جدیدتر مدنظر قرار گرفت. (اخذ مراحل از خنیفر و مسلمی، ۱۳۹۸). ۴. باتوجه به این که ابزار پژوهش در این پژوهش مصاحبه و اسناد بودند، پژوهشگران، تلاش نمودند که نظر شخصی خویش را چه در مرحله گردآوری داده‌ها و چه در مرحله تحلیل آن‌ها به کار نیندند. ۵. استفاده از تکنیک تاخیر/ تعلیق. برای این منظور نویسندگان بعد از اتمام کار، به مدت چند روز کار را کنار گذاشته تا ذهن بتواند از آن فاصله گرفته و مجدد با دید انتقادی به مرور آن بپردازد.

جدول ۱- مشخصات معلمان مشارکت‌کننده

کد مصاحبه‌شونده	سن	جنس	شغل	مقطع تحصیلی	رشته تحصیل	مقطع تدریس	سابقه کار
۱	۵۱	مرد	معلم	دانشجوی دکتری	تاریخ	متوسطه دوم	۳۱
۲	۵۰	مرد	معلم/معاون	ارشد	تاریخ	متوسطه دوم	۲۹
۳	۴۷	زن	معلم	لیسانس تربیت‌بدنی ارشد تاریخ	تربیت‌بدنی / تاریخ	متوسطه دوم	۲۷
۴	۵۰	مرد	معلم	ارشد	تاریخ	متوسطه دوم	۳۰
۵	۵۴	زن	معلم	اعلام‌نشده	تاریخ	متوسطه دوم	۲۷
۶	۴۷	مرد	معلم/معاون	لیسانس تاریخ ارشد علوم سیاسی	تاریخ/علوم سیاسی	متوسطه دوم	۲۸
۷	۳۴	مرد	معلم	لیسانس	جغرافیا	متوسطه اول و دوم	۵
۸	۴۱	زن	معلم	اعلام‌نشده	تاریخ	متوسطه دوم	۱۸
۹	۵۶	زن	معلم	اعلام‌نشده	باستان‌شناسی	متوسطه دوم	۲۵

یافته‌ها

یافته‌ها شامل دو گام هستند: در گام نخست، چالش‌ها توصیف می‌شوند تا دیدی دقیق نسبت به چالش‌های موجود، ارائه شود و در گام دوم، ابتدا به راه‌حلی که معلمان تاکنون برای کاهش چالش‌های برنامه درسی و آموزش تاریخ پیش گرفته‌اند، پرداخته می‌شود. سپس به تبیین پیشنهادهای معلمان در رابطه با بهبود کیفیت برنامه درسی و آموزش این دروس در این مقطع، پرداخته می‌شود.

۱. چالش‌های برنامه درسی و آموزش دروس تاریخ در مقطع متوسطه دوم

معلمان در هنگام آموزش با چالش‌های متنوعی روبه‌رو هستند. برای تبیین مناسب‌تر این چالش‌ها آن‌ها را در سه حوزه‌ی چالش‌های مربوط به کتاب‌های تاریخ، روش تدریس و چالش‌هایی فراتر از دو حوزه‌ی نام‌برده، تبیین می‌نماییم.

۱-۱. چالش‌های مربوط به محتوای کتاب تاریخ

معلمان در هنگام ذکر چالش‌ها، بارها به چالش‌های ایجادشده توسط کتاب‌های درسی و تأثیر مستقیم آن بر روش‌های آموزش مورداستفاده‌ی خود، اشاره می‌کردند. چالش‌های ایجاد شده توسط کتب تاریخ در مقطع متوسطه دوم عبارت‌اند از:

۱-۱-۱. بی‌توجهی کتاب به تفاوت‌های فرهنگی، قومی، زبانی و مذهبی و بی‌اهمیتی به تاریخ محلی: معلمان اظهار می‌کردند که کتاب نسبت به تاریخ نواحی مختلف کشور، بی‌توجه است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳ معتقد است: «مطالب کتاب محدود است و به تاریخ محلی چندان اهمیت نمی‌دهد.» (موارد مشابه: کدهای ۲ و ۵).

۱-۱-۲. سطح بالای مطالب کتاب: چندین بار بیان شد که اصطلاحات کتاب با سطح دانش دانش‌آموزان همخوانی ندارد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۷ اظهار می‌کند: «سطح مطالب کتاب بسیار بالاست و تعداد کلمات تخصصی نیازمند به توضیح، در آن زیاد است. این موضوع وقت زیادی از کلاس را می‌گیرد؛ مثلاً یک ساعت باید توضیح بدم فاشیست یعنی چی؟ بورژوازی یعنی چی؟» (موارد مشابه: کدهای ۲، ۳، ۴، ۶، ۸ و ۹).

۱-۱-۳. توجه زیاد به جزئیات: کتاب‌های تاریخ به‌جای پرداختن به موضوعات اصلی و مهم بیش از حد در مورد جزئیات اتفاقات بحث می‌کنند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ نیز معتقد است: «در کتاب‌ها بیش از حد به جزئیات بی‌استفاده توجه شده. در این حد جزئیاتی خواندن تاریخ فقط باعث زدگی دانش‌آموز از تاریخ می‌شود.» (مورد مشابه: کد ۸).

۱-۱-۴. محتوای غیرکاربردی در زندگی: دانش‌آموزان نمی‌توانند محتوای کتاب را به زندگی واقعی ربط دهند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ چنین شرح می‌دهد: «دانش‌آموز چیزی را در کلاس یاد گرفته؛ ولی وقتی به خانه برمی‌گردد یا وارد جامعه می‌شود، می‌بیند که این مطالب در هیچ کجا برایش کاربردی ندارد.» (مورد مشابه: کد ۹).

۱-۱-۵. به‌روز نبودن کتاب‌های تاریخ: کتاب‌های تاریخ، تاریخ ایران را تا دوران پایان جنگ تحمیلی پوشش می‌دهند. البته در کتاب تاریخ معاصر چند درس مربوط به اتفاقات چند دهه گذشته بر کتاب ضمیمه‌شده است؛ اما بازهم معلمان مقدار مطالب امروزی را کم و ناکافی می‌دانند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۹ معتقد است: «معمولاً تصور دانش‌آموزان از مطالب تاریخی مطالب مربوط به گذشته‌های دور است، درحالی‌که حتی اتفاقات روز گذشته نیز بخشی از تاریخ است. نباید تاریخ را صرفاً به گذشته دور محدود کنیم. اتفاقی که امروز می‌افتد، فردا به تاریخ یک جامعه تبدیل می‌شود.»

۱-۱-۶. تک‌بعدی و تک‌ساحتی بودن: معلمان به این نکته منتقداند که چرا کتاب‌ها به‌شدت برای برخی شخصیت‌ها، هاله‌ی منفی یا مثبت می‌سازند، درحالی‌که هر شخصیتی، هم‌زمان، ممکن است دستاوردهایی برای کشور داشته باشد و هم زیان‌هایی به جامعه وارد کند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳ معتقد است: «کتاب به‌گونه‌ای برای بعضی شخصیت‌ها هاله‌ی منفی یا مثبت می‌سازد که دانش‌آموز فکر می‌کند آن فرد فقط همان کار را کرده و فقط همان یک عقیده را داشته و دیگر تمام.» (موارد مشابه: کدهای ۱، ۲، ۵ و ۶).

۱-۱-۷. کمبود نقشه‌های جغرافیایی - تاریخی: نبود و یا کمبود نقشه‌های جغرافیایی حکومت‌ها و سلسله‌ها، موضوعی بوده که معلمان به آن ایراد وارد کرده‌اند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ بیان می‌کند: «در کتاب به نقشه‌ی جغرافیایی زیاد اهمیت ندادند؛ مثلاً خیلی از دانش‌آموزان حتی در پایان سال دوازدهم نیز نمی‌دانند که دولت عثمانی در کجای نقشه‌ی جغرافیایی بوده است.»

۱-۱-۸. محدود شدن به صرف تاریخ کشور: اتفاقات تاریخی که در یک کشور رخ می‌دهد، همبستگی زیادی با سایر کشورها دارد و فقط محدود به یک کشور نمی‌ماند. معلمان مقدار مطالب مربوط به تاریخ جهان را کم می‌دانند و اعتقاد دارند که مطالب مرتبط با تاریخ جهان باید بیشتر باشد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۹ نیز بیان می‌کند: «دانش‌آموزان علاقه‌ی زیادی به تاریخ جهان نشان می‌دهند. مخصوصاً آن‌ها که از طریق رمان‌های ترجمه‌شده مطالب زیادی می‌خوانند، دوست دارند مطالب بیشتری یاد بگیرند؛ اما کتاب‌های تاریخ خیلی کم به تاریخ جهان پرداخته‌اند.» (مورد مشابه: کد ۳).

۹-۱-۱. **غلبه رویکرد روایی و حفظیاتی:** معلمان معتقدند که کتاب‌های تاریخ مورد استفاده در مدارس، بیشتر بر پایه‌ی محفوظات است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ معتقد است: «تاریخی که الآن در مدارس یاد می‌دهند، یک تاریخ روایی است و دانش‌آموزان فقط آن را حفظ می‌کنند.»

۱۰-۱-۱. **معرفی صرف یک‌گونه از تاریخ:** تاریخ انواع مختلفی دارد که در کتاب‌های تاریخ علوم انسانی، در دروس اولیه معرفی شده‌اند؛ اما به همین معرفی اکتفا شده و در ادامه‌ی کتاب، توجه چندانی به معرفی یا ذکر نمونه‌ها نشده است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۹ شرح می‌دهد: «دانش‌آموزان در مورد مصداق‌های تاریخ خیلی آگاهی ندارند. در یک جمع خانوادگی وقتی در مورد زندگی پدر بزرگ‌ها و مادر بزرگ‌ها در گذشته، حرف می‌زنیم، این یک بحث تاریخی است. دانش‌آموزان فکر می‌کنند تاریخ همین پادشاهان و اعداد و سال‌ها است، در حالی که بخش بزرگی از گفت‌وگوهای خانوادگی تاریخ است. دانش‌آموزان وقتی این را می‌شنوند، تعجب می‌کنند؛ اصلاً برایشان جالب است که این تاریخ است.»

۱۱-۱-۱. **ایرادات تخصصی کتاب‌های تاریخ مقطع متوسطه دوم:**

معلمان برای هر کدام از کتاب‌های آموزشی، ایرادات اختصاصی ذکر کرده‌اند و به جزئیات نیز توجه داشته‌اند.

۱۱-۱-۱-۱. **کتاب تاریخ ۱:** به نظر می‌رسد کتاب تاریخ ۱ به شکلی دوری در مورد سلسله‌ها حرف می‌زند که این حالت، مورد تأیید معلم‌ها و دانش‌آموزان نیست و باعث برداشتی منسجم از یک حکومت نمی‌شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ بیان می‌کند: «چالش اساسی تاریخ ۱ این است که موضوعی پیش می‌رود؛ مثلاً در یک درس، در مورد ویژگی‌های فرهنگ و هنر چند سلسله‌ی ایران باستان، به دنبال هم حرف زده، بعد در درس بعدی، این بار در مورد سیاست و حکومت این چند سلسله حرف زده. دانش‌آموز از من می‌پرسد: خانم مگه این سلسله منقرض نشد پس چرا دوباره از اول داریم درموردش حرف می‌زنیم.»

۱۱-۱-۱-۲. **کتاب تاریخ ۲:** به نظر می‌رسد که الفاظ به‌کاررفته برای خلفای نخستین، از نظر معلمان مناسب نیست و باید تغییراتی لحاظ شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۵ اظهار می‌کند: «در تاریخ ۲ در بحث جانشین پیامبر، بهتر است برای سه خلیفه‌ی صدر اسلام الفاظ مناسب‌تری به کار رود و سبک نگارشی کتاب تا حدودی تغییر کند.» (موارد مشابه: کدهای ۲ و ۳).

۱۱-۱-۱-۳. **کتاب تاریخ ۳:** به نظر می‌رسد مطالب به‌کاررفته در تاریخ ۳ برای دانش‌آموزان زیاد است و کتاب بسیار به جزئیات توجه داشته است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ بیان می‌کند: «حجم مطالب تاریخ ۳ بسیار زیاد است و وقت کافی برای ارائه مطلب نداریم.» (مورد مشابه: کد ۷).

۱۱-۱-۱-۴. **کتاب تاریخ معاصر:** کتاب تاریخ معاصر تمامی رشته‌ها به‌غیر از علوم انسانی است. این کتاب برای سایر رشته‌ها جزو دروس تخصصی نیست و به نظر می‌رسد که حجم محتوای آن نامناسب طراحی شده است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۹ معتقد است: «کتاب تاریخ معاصر برای بچه‌هایی که رشته‌ی تخصصی آن‌ها انسانی نیست، به‌خصوص بچه‌های هنرستان خیلی پر حجم و سنگین است.» (موارد مشابه: کدهای ۲، ۳، ۷ و ۸).

۲-۱. **چالش‌های حوزه‌ی روش تدریس دروس تاریخ**

چالش‌هایی که معلمان در هنگام تدریس با آن‌ها روبه‌رو هستند، عبارت‌اند از:

۲-۱-۱. **مشخص نبودن فایده‌ی تاریخ:** این‌گونه به نظر می‌رسد که فایده‌ی تاریخ نه‌تنها برای دانش‌آموزان مشخص نیست، بلکه برای تعدادی از معلمان نیز نامشخص است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ بیان می‌کند: «دانش‌آموزان از من می‌پرسند فایده‌ی تاریخ چیست؟ اصلاً چرا باید تاریخ بخونم؟ خود همکاران میان از من می‌پرسند دانستن و ندانستن تاریخ چه سودی دارد؟» (موارد مشابه: کدهای ۱، ۶، ۸ و ۹).

۲-۱-۲. **نبود تنوع در تدریس و استفاده از روش سخنرانی محض:** اکثر معلمان در هنگام نام‌بردن از روش‌های تدریس خود به روش سخنرانی اشاره کرده‌اند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱ معتقد است: «تعداد روش‌های قابل استفاده برای تدریس تاریخ نسبت به سایر

دروس، کم است. معلم مجبور است متکلم و حده باشد. روش گروه‌بندی کردن دانش‌آموز برای ارائه درس را هم امتحان کرده‌ام؛ اما ناموفق بوده است.»

۱-۲-۳. **محدودیت معلمان در ارائه مطالب خارج از کتاب:** اکثر معلمان از این شرایط ناراضی‌اند و اظهار می‌کنند که نمی‌توانند هر چیزی را بگویند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۲ معتقد است: «بعضی مطالب گفتنش لازم است؛ اما موجب برانگیختگی دانش‌آموز می‌شود.» (موارد مشابه: کدهای ۱، ۳، ۴، ۵ و ۹).

۱-۲-۴. **سخت‌گیری در آموزش:** معمولاً در میان عموم مردم، درس تاریخ، به درسی خشک معروف است. معلمان معتقدند که بهتر است حد سخت‌گیری را کاهش داد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۲ بیان می‌کند: «بعضی‌ها می‌گویند باید در امتحان واو به واو کتاب را بنویسی، واقعاً سخت‌گیری‌های بی‌مورد زیاد داریم.» (موارد مشابه: کدهای ۸ و ۹).

۱-۲-۵. **عدم آگاهی نسبت به ساختار پایه تاریخ کشور:** دانش‌آموزان به طور کامل با ترتیب حکومت‌ها و سلسله‌ها آشنایی ندارند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۷ بیان می‌کند: «دانش‌آموز نمی‌داند که مثلاً بعد از سلسله‌ی افشاریه، زنده به حکومت رسیده است، دانش‌آموز یک طبقه‌بندی ساده در ذهنش ندارد.»

۱-۲-۶. **عدم تسلط بر نگره‌های نوین تدریس:** به نظر می‌رسد تعدادی از معلمان که فاقد توانایی تخصصی در علوم مرتبط با تاریخ‌اند، به آموزش آن می‌پردازند و این باعث ایجاد چالش شده است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ اظهار می‌کند: «از ۳۶ نفر معلم تاریخ ۲۶ یا ۲۵ نفر آن‌ها مرتبط به درس تاریخ‌اند و فقط آموزش این درس به آن‌ها سپرده شده. من بشخصه در تعدادی از معلمان، تعهد به کار را نمی‌بینم. معلم همین‌جوری بی‌اهمیت درس را توضیح می‌دهد و هیچ علاقه‌ی خاصی به درسش نشان نمی‌دهد. دانش‌آموز با دیدن چنین صحنه‌ای، خودبه‌خود از درس زده می‌شود.» (موارد مشابه: کدهای ۱، ۵ و ۹).

۱-۲-۷. **مشغله‌های ذهنی و مشکلات اقتصادی معلم:** به نظر می‌رسد که اوضاع اقتصادی بعضی از معلمان چندان خوب نیست و این باعث می‌شود معلم مدام درگیری ذهنی داشته باشد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۶ بیان می‌کند: «بعضی‌ها به سراغ شغل دوم می‌روند. خوب این باعث می‌شود کامل به تدریس متمرکز نباشد.»

۱-۳. چالش‌هایی فراتر از کتاب و سبک تدریس معلم

علاوه بر چالش‌های حوزه‌ی کتاب‌های درسی و سبک آموزشی معلمان، چالش‌هایی وجود دارد که در حیطه‌ی کتاب‌ها، کلاس درس و توانایی معلمان نمی‌باشند؛ بلکه در سطحی بالاتر و گسترده‌ترند که لازم است در هنگام طراحی برنامه درسی به آن‌ها توجه نمود. این چالش‌ها عبارت‌اند از:

۱-۳-۱. **کمبود تجهیزات آموزشی:** معلمان از این موضوع شکایت دارند که چرا تجهیزات و وسایل در دسترس کم است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱ بیان می‌کند: «در تعدادی از مدارس دستگاه پروژکتور برای ارائه‌ی دروس به شکل پاورپوینت نداریم. به ما فیلم‌ها و نرم‌افزارهای مناسب نمی‌دهند.» (موارد مشابه: کدهای ۲ و ۶).

۱-۳-۲. **ضرب‌پایین در تاریخ در کنکور:** معلمان نسبت به ضریب پایین دروس تاریخ در کنکور، معترض‌اند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ بیان می‌کند: «چرا سه کتاب تاریخ با این حجم بالا از مطالب، باید در کنکور ضریب یک داشته باشد؟»

۱-۳-۳. **درگیری ذهنی دانش‌آموز با مسائل عاطفی و اقتصادی:** به نظر می‌رسد مسائلی فراتر از سطح کلاس، در چالش‌های آموزش تاریخ، اثرگذارند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۶ شرح می‌دهد: «دانش‌آموزان در این سن درگیر مسائل اقتصادی‌اند. یکی به من می‌گفت: آقای... معلمی چیه؟! بیا بریم بنگاه. خیلی از دانش‌آموزان ما در این سن درگیر مسائل عاطفی و ارتباط با جنس مخالف‌اند.»

۱-۳-۴. **دسته‌بندی کردن دانش‌آموز به تیزهوش و عادی:** معلمان این دسته‌بندی را چالشی برای آموزش خود می‌دانند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱ معتقد است: «دسته‌بندی کردن دانش‌آموزان به تیزهوش و عادی هم باعث نابرابری آموزشی شده و هم اعتمادبه‌نفس بعضی دانش‌آموزان را پایین آورده.»

۲. راهکارها و پیشنهاد‌های معلمان در راستای کاهش چالش‌های برنامه درسی و آموزش دروس تاریخ

معلمان برای حل یا کاهش چالش‌های برنامه درسی و آموزشی تاریخ، روش‌های متنوعی به کار می‌گیرند. با این حال این روش‌ها توانایی حل تمام چالش‌ها را ندارند و تغییرات باید در سطوح بالاتر آموزشی صورت گیرد. در این مورد نیز پیشنهادهایی ارائه شد تا در سطح ملی، مورد توجه قرار گیرد.

۲-۱. راهکارهای معلمان در راستای حل چالش‌های آموزش کلاسی

بسیاری از معلمان با مشاهده موانع و چالش‌های تدریس، روش‌هایی برای جبران آن پیش می‌گیرند که معمولاً در حد کلاس خودشان است و توانایی حل تعدادی از موانع را دارند. این روش‌ها عبارت‌اند از:

۱-۲. استفاده از روش‌های متنوع در آموزش: معلمان به روش‌های ابتکاری برای آموزش اشاره کرده‌اند. آن‌ها روش‌هایی از جمله: بارش فکری، پرسش و پاسخ، تدریس اعضای گروه، اجرای نمایش، ایجاد و طرح مسئله، شرح موقعیت‌های تاریخی متناسب با حس و حال آن موقعیت، تدریس مشارکتی، تدریس پروژه محور، تدریس معکوس، سخنرانی و... نام برده‌اند. در این خصوص، مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳ معتقد است: «تدریس نباید محدود به یک روش باشد؛ زیرا باعث خستگی و بی‌علاقگی دانش‌آموزان می‌شود.» (موارد مشابه: کدهای ۲، ۵، ۶ و ۷).

۲-۱-۲. استفاده از رسانه‌های متنوع: استفاده از عکس، صوت، موسیقی، شعر، فیلم، مستند، سریال، پویانمایی، رمان و پاورپوینت، بارها توصیه شد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳ بیان می‌کند: «بارها پیش آمده، موسیقی‌هایی با مضمون اتفاقات تاریخی یا اشعاری در مورد اتفاقات تاریخی به کلاس می‌آورم و دانش‌آموزان خیلی از این کار استقبال می‌کنند.» (موارد مشابه: کدهای ۱، ۲، ۵ و ۷).

۳-۱-۲. داستانی گفتن تاریخ: داستانی گفتن وقایع تاریخی، از سوی معلمان، مفید ارزیابی شده است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۷ بیان می‌کند: «من سعی می‌کنم اتفاقات را به شکل یک داستان منسجم، بازگو کنم. همه‌ی آدم‌ها به شکل طبیعی به شنیدن قصه و داستان علاقه دارند.»

۴-۱-۲. معرفی ارثیه‌ها و میراث خانوادگی: دانش‌آموزان با آشنایی با آن‌ها در مورد تاریخچه‌ی خانوادگی خود و اتفاقات کنجکاو می‌شوند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۲ پیشنهاد می‌دهد: «می‌توانیم از دانش‌آموزان بخواهیم تعدادی از میراث خانوادگی خود را به کلاس بیاورند و به یکدیگر معرفی کنند.»

۵-۱-۲. تبیین اهمیت تاریخ: معلمان معتقدند که اهمیت تاریخ باید تشریح شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ بیان می‌کند: «من در جواب اهمیت یادگیری تاریخ، می‌گم شاید خود مطالب تاریخی در همه جای زندگی‌ات به کار نیاید؛ اما مهارت‌هایی که در درس یاد می‌گیری، در زندگی به دردت می‌خورد. مهارت‌هایی مثل انتقادپذیری، انتقادکردن، تحلیل، تفکر چندبعدی، مهارت تعلیل. همه مهارت‌هایی هستند که اگر تاریخ به‌درستی آموزش داده شود برای دانش‌آموز ماندگار می‌شود.»

۶-۱-۲. بحث در مورد مسائل روز: هر اتفاق امروز بخشی از تاریخ فردا است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۹ بیان می‌کند: «من سعی می‌کنم کلاس تاریخ را فقط به اتفاقات گذشته ربط ندهم؛ بلکه در مورد اتفاقات مهم روز هم حرف بزنیم.»

۷-۱-۲. استخراج قوانین از تاریخ: می‌توان با کاوش در تاریخ مطالبی کاربردی برای زندگی یافت. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ بیان می‌کند: «سعی می‌کنم در لابه‌لای درس، یک سری قوانین کلی از تاریخ برای دانش‌آموزان استخراج کنم. با اینکه این قوانین به‌اندازه‌ی قوانین علوم تجربی قوی نیستند؛ ولی برای دانش‌آموزان کاربردی‌اند؛ مثلاً انگلیسی‌ها یک قانون نانوشته داشتند به نام «تفرقه بیانداز و حکومت کن.» می‌گم بچه‌ها ببینید در هرجای تاریخ که مردم کشوری با هم اختلاف داشتن، به نفع بیگانه‌ها بوده و از اون کشور استفاده‌ی خودشون رو کردند.»

۸-۱-۲. پرداختن به تاریخ محلی: به اعتقاد معلمان، کتاب‌های تاریخ به طور محدود به تاریخ محلی اهمیت داده‌اند. معلمان سعی می‌کنند این کمبود را جبران کنند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳ شرح می‌دهد: «من بعضی وقت‌ها به دانش‌آموزان می‌گم در مورد شخصیت‌های تاریخی محل زندگی تون تحقیق کنید. حتی بعضی وقت‌ها در مورد خوانندگان محلی برام تحقیق می‌آورند.»

۹-۲-۱. طرح سؤال برای دانش‌آموزان: اکثر معلمان اظهار کرده‌اند برای دانش‌آموزانی که تاریخ درس تخصصی آن‌ها نیست و فقط کتاب تاریخ معاصر دارند، سؤال طرح می‌کنند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳ بیان می‌کند: «دانش‌آموز با دیدن کتاب پر حجم تاریخ معاصر، خودبه‌خود از آن وحشت دارد. برای همین برایشان سؤال طرح می‌کنم.» (موارد مشابه: کدهای ۶، ۷، ۸ و ۹).

۱۰-۲-۱. ارزشیابی صحیح: معلمان معتقدند که برای ارزشیابی درس تاریخ باید از روش مناسب استفاده کرد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱ معتقد است: «نباید فقط به نمره‌ی پایانی اهمیت بدهیم. باید به نمره‌های طول کلاس نیز اهمیت بدهیم و نمره‌ها را لحاظ کنیم. باید کاری کنیم دانش‌آموز در طول سال، پیگیر باشد.»

۱۱-۲-۱. ایجاد آمادگی روانی در دانش‌آموزان و جلب توجه: جلب توجه دانش‌آموزان در ابتدای مبحث بسیار مهم است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۷ بیان می‌کند: «دانش‌آموز باید از همان ابتدا، خوب به موضوع جلب شود. معلم برای این کار باید از خلاقیت هم استفاده کند؛ مثلاً برای جلب توجه دانش‌آموزان، پیام را به زمین بگویم و بگویم امروز می‌خواهم در مورد تیمورلنگ حرف بزنم.» (موارد مشابه: کدهای ۲، ۳، ۶ و ۸).

۲-۲. پیشنهادهایی برای بهره‌وری کیفیت آموزش دروس تاریخ در سطح برنامه درسی ملی

معلمان برای بهبود کیفیت آموزشی، پیشنهادهاى متعددی ارائه دادند که می‌توان در سطح برنامه‌ی درسی ملی به کار گرفت. این موارد عبارت‌اند از:

۱-۲-۲. راهکارهایی در زمینه‌ی بهبود کیفیت محتوای کتاب تاریخ

برای بهبود کیفیت کتاب‌های درسی، پیشنهاداتی برای اجرا در سطوح بالای آموزشی بیان شده است که عبارت‌اند از:

۱-۲-۲-۱. تدوین کتاب تاریخ محلی: در چند سال اخیر کتابی به نام جغرافیای استان به کتاب‌های درسی مقطع متوسطه دوم افزوده شده است. در راستای همین کتاب، معلمان تدوین کتاب تاریخ محلی را پیشنهاد داده‌اند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳ معتقد است: «همان‌طور که کتاب جغرافیای استان داریم، کتاب تاریخ محلی یا منطقه‌ای نیز تدوین شود.»

۲-۲-۱-۲. ایجاد تغییرات اساسی در کتاب تاریخ معاصر: تقریباً نظر تمامی مصاحبه‌کنندگان بر این بود که کتاب تاریخ معاصر پر حجم، بسیار جزئیاتی و پر از مسائل غیر کاربردی است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۳ معتقد است: «تغییراتی اساسی باید در کتاب تاریخ معاصر ایجاد شود.» (موارد مشابه: کدهای ۱، ۲، ۴، ۶، ۸ و ۹).

۳-۲-۱-۲. تدوین کتاب تاریخ ۱ به شکل سال‌شماری یا سلسله‌ای: مقایسه‌ی سلسله‌های ایران باستان به طور جداگانه در موضوعاتی همچون کشورداری، هنر، فرهنگ و سایر موضوعات، از دید معلمان، کاربردی ارزیابی نشد. در این خصوص، مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ معتقد است: «اگر هر سلسله‌ها به شکل جدا بررسی شوند، دانش‌آموزان درک بهتری از آن‌ها خواهند داشت.»

۴-۲-۱-۲. نگارش کتاب‌ها به سبک تحلیلی: به اعتقاد معلمان، کتاب تاریخ باید وسیله‌ای برای ایجاد مهارت‌های تحلیل و تعلیل باشد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ معتقد است: «باید دانش‌آموزان توانایی پیش‌بینی و درک اتفاقات گذشته، حال و آینده را به دست آورند و تاریخ فقط در تعدادی سال و سلسله خلاصه نشود.» (موارد مشابه: کدهای ۳ و ۸).

۵-۲-۱-۲. افزایش دروس مربوط به تاریخ جهان: بهتر است تاریخ ایران و جهان در کتاب‌ها همگام با یکدیگر پیش بروند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۹ معتقد است: «مقدار مطالب مربوط به کشور بسیار بیشتر از مطالب مربوط به تاریخ جهان است، در حالی که اتفاقات تاریخی کشورها بر همدیگر اثر می‌گذارند.»

۶-۲-۱-۲. توجه به مسائل مذهبی، قومی و زبانی در کتاب‌ها: بی‌توجهی به تفاوت‌های قومی، زبانی و مذهبی بیشتر برای افرادی قابل درک است که زبان و مذهبشان، زبان و مذهب رسمی کشور نیست. این مورد بارها از سوی معلمان تکرار شد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره

۵ معتقد است: «بهتر است تغییراتی در سبک نگارش دروس به خصوص دروس مرتبط با بحث جانشینی پیامبر داده شود.» (موارد مشابه: کدهای ۲ و ۳).

۷-۲-۱-۲. کاهش حجم کتاب و کلمات تخصصی و پیچیده: پیشنهاد می‌شود یا این کلمات جایگزین شوند و یا مانند کتاب علوم اجتماعی مقطع متوسطه اول، در پایان درس یا کتاب، بخشی تحت عنوان توضیحات کلمات تخصصی، آورده شود تا نیاز نباشد معلمان وقت کلاس را به توضیح آن‌ها اختصاص دهند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۷ نیز معتقد است: «بهتر است مقدار مطالب کتاب و سطح آن‌ها را کم کنند.» (موارد مشابه: کدهای ۲، ۳، ۴، ۷ و ۹).

۸-۲-۱-۲. معرفی هنرمندان، افراد اهل قلم و افراد غیرسیاسی در هر دوره: بهتر است به‌غیراز پرداختن به شخصیت‌های سیاسی به شخصیت‌های فرهنگی و علمی و اهل قلم نیز توجه شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۵ معتقد است: «این افراد نیز بخشی از تاریخ ایران را تشکیل می‌دهند و فقط افراد سیاسی نیستند که در ساخت تاریخ، نقش داشته‌اند.»

۹-۲-۱-۲. تبدیل کتاب‌های تاریخ به کتاب‌هایی پویا: لازم نیست که کتاب حالت روزنامه به خود بگیرد؛ اما سعی شود مهم‌ترین اتفاقات حال حاضر دنیا در کتاب گنجانده شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۹ پیشنهاد می‌دهد: «سعی شود کتاب‌های تاریخ، به خصوص بخش‌های مربوط به تاریخ معاصر، هر ساله به‌روز شوند و مطالب به‌روز جهان و اتفاقات مهم و اثرگذار در آن‌ها جاگذاری شود.»

۱۰-۲-۱-۲. معرفی مدل‌های مختلف تاریخ‌نگاری: باینکه در دروس ابتدایی کتاب تاریخ ۲ به معرفی انواع کتاب تاریخی و تاریخ پرداخته شده؛ اما در ادامه‌ی کتاب به‌اندازه‌ی کافی مثال‌های ملموس و عینی آورده نشده است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۹ معتقد است: «بهتر است سعی شود مثال‌های انواع تاریخ در میانه درس‌ها آورده شود تا به شکلی عینی، انواع تاریخ را درک کنند.»

۱۱-۲-۱-۲. افزایش نقشه‌های تاریخی و ایجاد تصویر ذهنی: باتوجه‌به نظر معلمان، افزایش تعداد نقشه‌ها در کتاب‌های تاریخ ضروری به نظر می‌رسد. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ معتقد است: «بهتر است بر تعداد نقشه‌ها افزوده شود تا دانش‌آموزان به شکل تصویری و عینی، موقعیت و شرایط سلسله‌ها را درک کنند.» (مورد مشابه: کد ۲).

۱۲-۲-۱-۲. تبیین فواید تاریخ: فقط در یکی از دروس کتاب‌های تاریخ رشته‌ی انسانی به تبیین فواید تاریخ پرداخته شده و در تاریخ معاصر توجهی به معرفی و تبیین اهمیت تاریخ نشده است. برای ایجاد علاقه در دانش‌آموز، باید پیش از هر چیزی فلسفه‌ی یادگیری تاریخ و اهمیت آن روشن شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ معتقد است: «بهتر است در هر درس، اهمیت اتفاقات و آگاهی از آن‌ها توضیح داده شود.»

۲-۲-۲. راهکارهای در زمینه‌ی بهبود کیفیت کار معلمان تاریخ

برای افزایش توانمندی معلمان راهکارهایی از سوی افراد مصاحبه‌شونده پیشنهاد شده است. این موارد عبارت‌اند از:

۱-۲-۲-۲. استفاده از معلمان متخصص و آشنا با روش‌های تدریس: از نظر معلمان، فقط افرادی که متخصص تاریخ‌اند، باید آن را آموزش دهند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ معتقد است: «افرادی که تاریخ را تدریس می‌کنند، باید از میان تحصیل‌کردگان رشته‌ی تاریخ باشند.»

۲-۲-۲-۲. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت: بیشتر معلمان به خصوص با سابقه‌ها، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت، برای افزایش توانایی‌های تدریس و به‌روز کردن اطلاعات معلمان را توصیه می‌کردند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۴ پیشنهاد می‌دهد: «از معلمان و متخصصان باتجربه در این کار استفاده شود، البته دوره‌ها به شکل سخنرانی نباشد؛ بلکه مشارکتی و عملی باشد.» (مورد مشابه: کد ۵).

۳-۲-۲. در زمینه‌هایی فراتر از کتاب و معلمان

تمام پیشنهادها، محدود به پیشنهادها‌ی بهبود کیفیت کتاب‌ها یا کیفیت آموزشی معلمان نشد؛ بلکه در سایر زمینه‌ها نیز پیشنهاداتی ارائه شد.

۱-۳-۲-۲. افزایش جلسات زنگ تاریخ: معلمان توصیه می‌کردند که ساعات بیشتری برای ارائه‌ی درس تاریخ در نظر گرفته شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ معتقد است: «با توجه مطالب پر حجم کتاب تاریخ، بهتر است که ساعت‌های بیشتری به این درس در طول هفته، اختصاص داده شود.» (مورد مشابه: کد ۹).

۲-۳-۲-۲. تدوین فیلم و مستندهای آموزشی مناسب: معلمان از کمبود امکانات آموزشی شکایت دارند. در این خصوص، مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱ پیشنهاد می‌دهد: «فیلم و مستندهای مناسب در اختیار معلمان قرار گیرد همچنین سریال‌ها و موسیقی‌های مناسب معرفی شود.»

۳-۳-۲-۲. برگزاری اردوهای تاریخی: بازدید از مکان‌های تاریخی، باعث می‌شود دانش‌آموزان به شکلی ملموس تاریخ را درک کنند. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۲ پیشنهاد می‌دهد: «هماهنگی‌هایی انجام شود تا دانش‌آموزان از مکان‌های تاریخی و باستانی، به شکل منظم، بازدید کنند.»

۴-۳-۲-۲. افزایش ضریب درس تاریخ در کنکور: کتاب تاریخ بسیار پر حجم است و در هر سه پایه‌ی دهم، یازدهم و دوازدهم تدریس می‌شود. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۸ پیشنهاد می‌دهد: «ضریب بیشتری در کنکور به آن اختصاص داده شود.»

۵-۳-۲-۲. حذف دسته‌بندی تیزهوش و عادی: دسته‌بندی کردن دانش‌آموزان نه فقط بر درس تاریخ، بلکه بر سایر دروس نیز تأثیرگذار است. مصاحبه‌شونده‌ی شماره ۱ معتقد است: «این دسته‌بندی، انگیزه‌ی تعدادی از دانش‌آموزان را کاهش داده و موجب تبعیض آموزشی و بی‌انگیزگی شده است و بهتر است که نباشد.»

بحث و نتیجه‌گیری

در پاسخ به سؤال اول دال بر این که چالش‌های برنامه درسی و آموزش دروس تاریخ در برنامه‌ی جدید درسی در مقطع متوسطه دوم از دیدگاه تجارب زیسته‌ی معلمان استان کردستان را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ تحلیل یافته‌ها و بررسی نظام‌مند چالش‌های اشاره شده در تجارب زیسته معلمان، نشان داد که کتاب‌های درسی تاریخ در این مقطع، در ایجاد چالش‌های آموزشی، نقش برجسته‌ای دارند و اکثر چالش‌های آموزشی به این زمینه مربوط می‌شود. تنوع و حجم چالش‌های بیان شده در این زمینه بالاست. این امر نشان می‌دهد که معلمان، محتوای کتاب‌های درسی را یکی از عوامل اصلی چالش‌های موجود در فرایند آموزش تاریخ می‌دانند. تمرکز معلمان بر کاستی‌های موجود در کتاب به گونه‌ای بود که به طور مستقیم به کتاب، فصل، درس و بخش خاص دارای چالش آموزشی اشاره می‌کردند. به نظر می‌رسد که کتاب‌های تدوین شده بر اساس برنامه درسی جدید، دارای کاستی اند که نیاز است به طور ویژه مورد نقد و بررسی قرار گیرند و بازنگری شوند. تجارب معلمان در زمینه‌ی آموزش محتوای کتاب‌های آموزشی تاریخ، به طور ویژه به نامناسب بودن محتوای آن برای دانش‌آموزان و همچنین غیر کاربردی بودن محتوای آن باتوجه به نیازهای کنونی جامعه، اشاره دارد. همچنین از تحلیل تجارب، می‌توان به این نکته پی برد که کتاب‌های تاریخ همچنان رویکرد حافظه محور را دنبال می‌کنند و کم‌تر به تحلیل اتفاقات پرداخته‌اند.

باین حال، معلمان، با وجود تمرکز بیشتر بر کتاب‌های درسی در ایجاد چالش‌های آموزشی، نقش روش‌های تدریس و آموزش را نیز مورد توجه قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد که روش‌های مورد استفاده برای آموزش تاریخ، هم‌راستا با تحولات کتاب‌های درسی و اهداف جدید برنامه درسی نبوده و همچنان از روش‌های سخنرانی محور و معلم‌محور بهره برده می‌شود. این امر به نوبه خود باعث می‌شود تا دانش‌آموزان درک درستی از تاریخ نداشته باشند. امری که خود زاینده نوعی کم‌آگاهی خواهد بود؛ و این کم‌آگاهی دانش‌آموزان، که احتمالاً ناشی از کاستی‌هایی در مقاطع پایین‌تر نیز هست، اثر مستقیم بر رغبت معلم نسبت به آموزش دارد. اینجاست که می‌توان گفت، معلم و دانش‌آموز اثر متقابل بر یکدیگر دارند و علاقه و کوشش هر یک بر دیگری و کیفیت یادگیری و آموزش، اثرگذار است. این امر به نوبه خود، پیامدهایی از این قبیل خواهد داشت، کاهش قدرت تحلیل و حافظه تاریخی افراد، کاهش توجه به لایه‌های عمیق فرهنگ و روی‌آوری به شاخصه‌های زودگذر و سطحی از فرهنگ، ابتذال ادبیات و موسیقی و هنر، کاهش سطوح مدارا، گفت‌گو، همدلی، دیگرخواهی و ایثار، رواج خشونت و پرخاشگری، عدم کسب تجارب در فرایند تحلیل مسائل سیاسی اجتماعی، عدم آینده‌نگری و کاهش انسجام فکری. باین حال، هر چند که اکثریت چالش‌های آموزشی در حیطه‌ی کتاب‌ها و جریان آموزش در کلاس قرار دارد؛ اما توجه به این نکته ضروری

است که نمی‌توان ریشه‌ی تمامی چالش‌ها را در این چند حیطه جست‌وجو کرد؛ بلکه عواملی خارج از سیستم کلاس درس معلم و درس تاریخ وجود دارد که به شکل غیرمستقیم، آموزش کلاسی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد.

یافته‌های این بخش از پژوهش با پژوهش رومانی و همکاران (۱۳۹۹) از نظر بررسی چالش‌های آموزش تاریخ در زمینه‌ی تدریس در مقطع دبیرستان و پژوهش فتحی (۱۴۰۰) که چالش‌های آموزش تاریخ در دانشگاه را بررسی می‌کند، همسویی دارد و به چالش‌های تا حدودی مشابه اشاره دارند. همچنین با یافته‌های برونو ژفره و شیرالی (۲۰۰۲)، ویجایاساری و همکاران (۲۰۲۰) و اوگاه (۲۰۲۳) در زمینه‌ی چالش‌های آموزش تاریخ، همسویی دارد. با این که تعدادی از چالش‌های بیان شده به موقعیت جغرافیایی و فرهنگی که پژوهش در آن صورت گرفته، مربوط می‌شوند؛ اما همسویی در وجود چالش‌هایی همچون عدم توجه به کاربرد تاریخ و حافظه محوری در اکثر پژوهش‌ها دیده می‌شود.

در پاسخ به سؤال دوم دالّ بر این که راهکارهای برون‌رفت از چالش‌های مرتبط با برنامه درسی و آموزش دروس تاریخ از منظر معلمان این دروس در مقطع متوسطه دوم را چگونه می‌توان تبیین نمود؟ نتایج حاصل از تحلیل یافته‌های این بخش، نشان می‌دهد با این که معلمان در سطح کلاس در جهت تکمیل کاستی‌های کتب درسی و استفاده از روش‌های نوین آموزشی تلاش می‌کنند؛ اما برای رسیدن به اهداف آموزشی این دروس و بالابردن کیفیت آموزش تاریخ، به تغییراتی اساسی در برنامه‌ریزی آموزشی برای درس تاریخ در مقطع متوسطه دوم نیاز است. از این رو، معلمان این دروس، در دو حوزه کلی راهکار ارائه دادند: در حوزه‌ی مربوط به روش‌های آموزشی که تا حدودی در اختیار معلمان است. برای این کار، راهکارهایی در زمینه‌ی تنوع‌بخشی به روش‌های آموزشی جدید و ایجاد پویایی در کلاس درس ارائه شد. بیشتر این راهکارها بر پایه‌ی نبوغ و ابتکار معلمان است و باتوجه‌به این که از سوی معلمان باتجربه نیز بیان شده است، می‌توانند در زمینه‌ی بهبود کیفیت آموزش، کاربردی باشند. البته باوجود کاربردی‌بودن بیشتر این راه‌حل‌ها، تعدادی از معلمان، توانایی، وقت، انگیزه و فرصت کاربست آن‌ها را ندارند. در نتیجه، برای کاهش ریشه‌های برخی از این چالش‌ها، باید در سطوح کلان کشوری، برنامه‌ریزی مناسب داشت. در این حوزه، معلمان در رابطه با کتاب‌های درسی تاریخ، پیشنهاد کرده‌اند که این کتاب‌ها بازنگری شوند و تغییراتی در محتوای آن‌ها ایجاد شود به‌گونه‌ای که تأکید محتوا، بیشتر بر تحلیل مسائل و وقایع تاریخی و کاربردی‌سازی فراگیری تاریخ باشد. معلمان در این بخش نیز توجه ویژه‌ای به محتوا داشته‌اند و اکثر راهکارها، متمرکز بر ایجاد تغییرات سازنده در محتوای درسی بوده است که ضروری است موردتوجه قرار گیرد. باین‌حال در کنار توجه به محتوای آموزشی، توجه به آموزش معلمان نیز ضروری است و در کنار آن نیاز است که عوامل خارج از فرایند آموزش کلاسی مانند مشکلات خانوادگی دانش‌آموزان و عوامل اجتماعی کاهش انگیزه تحصیلی آن‌ها، که بر جریان آموزش اثر نامناسب می‌گذارند، موردتوجه قرار گیرد و در جهت کاهش و حذف آنان تلاش شود همچنین در برنامه‌ریزی‌های این دروس، علاوه‌بر کار در دو زمینه‌ی محتوا و آموزش معلمان، باید به این دسته از عوامل نیز توجه ویژه داشت: تدارک سفرهای تاریخی به اماکن تاریخی داخلی و خارجی، بهره‌مند شدن از حضور مورخین و باستان‌شناسان زنده در کلاس‌های درسی، بازدید از کتابخانه‌های بزرگ ملی و خارجی، آموزش نسخه‌خوانی و نسخه‌شناسی، مسلط نمودن معلمان در حوزه شناخت نگرش‌های مختلف تاریخ نویسی، امکان مقایسه تطبیقی متون تاریخی داخلی و خارجی، نقد متون تاریخی و سرانجام، آموزش عملی روش‌های پژوهش تاریخی.

یافته‌های این بخش از پژوهش با پژوهش‌های جلیلیان و کریمی (۱۴۰۰)، رحمانی فلاح و جمالو (۱۴۰۰)، برونو ژفره و شیرالی (۲۰۰۲)، ویجایاساری و همکاران (۲۰۲۰) از نظر ارائه‌ی راهکارهای ویژه برای روش آموزش تاریخ، همسویی دارد؛ در پژوهش نیز معلمان راهکارهای ابتکاری برای آموزش تاریخ ارائه داده‌اند. همچنین پژوهش با یافته‌های، یلماز (۲۰۰۸) و محمد و همکاران (۲۰۲۰) از نظر توجه به آموزش معلمان و توانمندسازی معلمان در زمینه‌ی آموزش همسویی دارد.

از نگره‌ی محدودیت پژوهشی، پژوهش حاضر، بر توصیف و تحلیل تجارب‌زیسته‌ی معلمان دروس تاریخ مقطع دوم متوسطه در استان کردستان تمرکز نموده است. این احتمال وجود دارد که بررسی نظرات معلمان در سایر مقاطع و همچنین در سایر نواحی کشور با فرهنگ‌ها و محیط متفاوت، چالش‌های متفاوت‌تری را نشان دهد. با توجه به این که پژوهش در محیط مدرسه صورت گرفته است، اکثر معلمان با کمبود زمان و البته مقاومت در ارائه اطلاعات، مواجه بوده‌اند و در دسترسی به معلمان نیز محدودیت وجود داشته است.

پیشنهادات

باتوجه به چالش‌های بیان شده و راهکارهای ارائه شده از سوی معلمان، پیشنهادهای جهت به‌کارگیری در برنامه‌ریزی درسی برای درس تاریخ متوسطه‌ی دوم، ارائه می‌شود:

باتوجه به کاستی‌های بیان شده برای هرکدام از کتاب‌های تاریخ، نیاز است که در محتوای این کتاب‌ها بازنگری، صورت گیرد. نیاز است که: محتوای این کتب کاربردی‌تر شوند، کتاب‌ها به سبک تحلیلی نگارش شوند، از حجم واژگان تخصصی و غیرقابل فهم، کاسته شود، دروس مربوط به تاریخ جهان در کتاب‌ها افزایش یابند، به مسائل مذهبی، قومی و زبانی توجه شود، در راستای ایجاد نگرش تاریخی در دانش‌آموزان تلاش شود، روش‌های پژوهش تاریخی به صورت عملیاتی‌تر مطرح نظر قرار گیرند. و در کنار این موارد، پیشنهاد می‌شود کتابی با عنوان تاریخ محلی در واحد درسی تاریخ مقطع متوسطه دوم گنجانده شود.

باتوجه به مسائل مربوط به روش‌های آموزشی، پیشنهاد می‌شود، روش‌های آموزشی در راستای اهداف جدید آموزش تاریخ که از حافظه محوری به آموزش سواد تاریخی و سواد تحلیلی تغییر یافته است، متحول شوند و از روش‌های نوین آموزشی دانش‌آموز محور، به جای معلم محور، در فرایند آموزش، استفاده شود. پیشنهاد می‌شود معلمان در هنگام آموزش، بر نکات اصلی و تحلیل مطالب تأکید کنند و بر جزئیات فاقد کاربرد تأکید نشود و همچنین به معلمان در انتخاب روش‌های آموزشی، اختیار عمل بیشتری داده شود.

باتوجه به مسائلی که در رابطه با نحوه‌ی اختصاص معلم برای درس تاریخ و آموزش آنان ارائه شد، پیشنهاد می‌شود در انتخاب معلم مناسب برای آموزش این درس، دقت عمل به کار گرفته شود و از معلمانی متخصص و کارآموده برای آموزش این درس هویت‌ساز استفاده شود.

باتوجه به کاستی‌هایی که در رابطه با ابزار و امکانات آموزشی ارائه شد، پیشنهاد می‌شود رسانه‌های آموزشی مناسب برای این درس در نظر گرفته شود، فیلم‌های آموزشی مناسب تدوین گردد، برنامه‌ریزی برای بازدیدهای تاریخی صورت گیرد، فضای آموزش فقط به کلاس درس محدود نشود و از محیط‌های تاریخی نیز به عنوان فضای آموزشی، استفاده شود.

باتوجه به مسائلی که در رابطه با چالش‌های فراتر از سطح کلاس و آموزش کلاسی بیان شد، پیشنهاد می‌شود ضریب دروس تاریخ در کنکور، افزایش یابد و همچنین ساعت‌های درسی تاریخ نیز باتوجه به حجم مطالب افزایش یابند.

سیاسگزاری

پژوهشگران از تمامی معلمان تاریخ در مقطع متوسطه در مدارس استان کردستان، که به عنوان مصاحبه‌شونده در انجام این پژوهش ما را یاری کردند، تشکر و قدردانی به عمل می‌آورند.

منابع

- Abbasi, S., & Malekshahi, H. (2022). Interdisciplinary History and its Position in Historical researches. *Historical Perspective & Historiography*, 32(29), 183-220. (in Persian)
- Amirtimori, MH. (1998). *Teaching and Learning Media*. Shiraz: Sasan. (in Persian)
- Badri Gargari, R., Rezaei, A., & Jeddi, J. (2012). Comparison of teaching methods based on active thinking (the Partnership method) and traditional teaching methods on the boy student's learning level of social studies. *Journal of Instruction and Evaluation*, 4(16), 107-120. (in Persian)
- Bruno Jofre, R., & Schiralli, M. (2002). Teaching history: A discussion of contemporary challenges. *Encounters on Education*, 3, 117-127.
- Fathi, K. (2019). Identifying and Critiquing Historical Sources and their Role in History Education Case Study: Tarikh i Yamini. *Research in social studies education*, 1(1), 101-126. (in Persian)

- Fathi, K. (2021). Obstacles and challenges of teaching history in Iranian universities. *Research in History Education*, 2(3), 92-107. (in Persian)
- Jalilian, S., & Karimi, A. (2021). A reflection on teaching the history of Islamic Iran with the pre-organizer method using the history of Islamic Iran software. *Research in History Education*, 2(2), 70-86. (in Persian)
- Karimi, M., & Tawoosi Masroor, S. (2012). The Importance and Pathology of History and Historiography in Imam Khomeini`s Thought. *The History of Islamic Culture and Civilization*, 3(6), 7-28. (in Persian)
- Khanifar, H., & Muslimi, N. (2018). *Fundamentals and principles of qualitative research methods: a new and practical approach*, Tehran: Negah Danesh Publications. (in Persian)
- Mahdian, R., Poushaneh, K., Rezazade Bahadoran, H., & malaki, H. (2023). Analyzing the content of elementary school textbooks to identify the components of national identity based on Upstream documents documents. *Journal of Management and Planning In Educational System*, 16(2), -. (in Persian)
- Mohamad, N., Sihes, A., & Suhaini, M. (2020). A Systematic Review on History Teachers Practices Towards Teaching Values Across the Curriculum. *International Journal of Innovation, Creativity and Change*, 11(12), 761-782. (in Persian)
- Mohammadpour, A. (2013). *method for method :On structure of knowledge in humanities*. Tehran: Sociologists Publications. (in Persian)
- Ogah, M. (2023). Implementation of Senior High School History Curriculum: A focus on teaching methodology and resources. *Cogent Education*, 10(1), 1-18.
- Rahmani Fallah, S., & Jamalou, M. (2022). History teaching in the reverse learning method in the second secondary school. *Research in History Education*, 2(4), 21-37. (in Persian)
- Roomani, D. S., Talari, M. R., & Sepahvand, D. E. (2020). Identifying history Teachers teaching Experience, An phenomenological approach. *Quarterly Journal of Education Studies*, 6(21), 12-16. (in Persian)
- Saif, AA. (2013). *Modern educational psychology*. Tehran: Duran. (in Persian)
- Saiiah, G., Maleki, H., Sarmadi, M., Farajollahi, M., & Mahboubi, T. (2021). Patience-Based Curriculum Pattern in Elementary School Based on Islamic Teachings Using Delphi Technique. *Journal of Management and Planning In Educational System*, 14(1), 71-98. (in Persian)
- Shabani, H. (2015). *Teaching Methods and Techniques*. Tehran: Samt. (in Persian)
- TaghipourZahir, A. (2008). Introduction to Educational and Curriculum Planning. Tehran: Agah Publications. (in Persian)
- Wijayasari, E., Wati, K., & Winarsih, M. (2020). Challenge of History Teachers in Teaching and Learning Higher Order Thinking Skills (Hots). *Historical Studies Journal*, 30(1), 36-45,
- Yilmaz, K. (2008). A Vision of History Teaching and Learning: Thoughts on History Education in Secondary Schools. *The High School Journal*, 92(2), 37-46.